

تبیین مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی به عنوان منبع قدرت نرم

دکتر مهدی ناظمی اردکانی*، حجت الاسلام دکتر حسن علی اکبری**
دکتر حمیدرضا حاتمی***، مهدی بهشتی نژاد****

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۲/۰۸

چکیده

مفروضات اساسی که همان باورها و عقایدند، بنیادی‌ترین و با ثبات‌ترین بخش وجودی انسان است و به عنوان مهمترین بُعد فرهنگ محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی مبتنی بر این بُعد فرهنگ انقلاب اسلامی ایجاد شده و استمرار می‌یابد. این بُعد دارای جایگاه برجسته‌ای است. سؤال این است که مفروضات اساسی در فرهنگ انقلاب اسلامی دارای به عنوان منبع قدرت نرم برای جمهوری اسلامی کدام است؟ و دارای چه مؤلفه‌هایی است؟ فرهنگ انقلاب اسلامی به دلیل اینکه از یک آبشخور پاک و ذلال سرچشمه گرفته است و به عنوان معرفت مشترک به دنبال عزت و کرامت انسانی همه انسانها می‌باشد، دارای جنابیت فرهنگی خواهد بود و می‌تواند به عنوان منبع قدرت نرم عمل نماید. اهمیت این موضوع موجب گردید تا مؤلفه‌های مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی از اسناد بالادستی استخراج شود. حاصل این پژوهش دستیابی به پنج مؤلفه خداباوری، موعودگرایی، ولایت‌محوری، مردم‌باوری و خودباوری است. هر پنج مؤلفه مورد تأیید نخبگان جامعه آماری به عنوان مهمترین منبع قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، مفروضات اساسی، قدرت نرم، فرهنگ انقلاب اسلامی، مؤلفه‌های فرهنگی

* - استادیار گروه اندیشه و مطالعات فرهنگی دانشگاه جامع امام حسین (ع) Mnazemi32@yahoo.com

** - عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع) Aliakbary_1341@yahoo.com

*** - دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) hhatami83@yahoo.com

**** - دانشجوی دکتری مهندسی سیستم‌های فرهنگی beheshti41@chmail.ir

۱. مقدمه

شناخت فرهنگ انقلاب اسلامی و ظرفیتهای آن برای تولید قدرت نرم، حیاتی است. مهمترین بخش فرهنگ مفروضات اساسی (باورهای) آن است. این بُعد از فرهنگ، بنیادینترین و با ثباتترین بخش وجودی انسان است که به عنوان مهمترین لایه فرهنگ به شمار می رود. در فرهنگ انقلاب اسلامی این بُعد دارای جایگاه برجسته ای بوده است و در زمره محکمات انقلاب اسلامی قرار دارد. از دید امام خمینی (ره) فرهنگ کشور بالاترین نقش را در موجودیت آن کشور دارد و برای آن کشور هویت ساز است: «بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است، اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد و با انحراف فرهنگ هر چند جامعه در بُعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان تهی است» (امام خمینی، ۶۰/۱۰/۷). در وهله اول باید سؤال شود کدام بخش یا لایه فرهنگ بیشترین نقش و توان را برای هویت سازی و مصون سازی از تهدیدات دارد. در فضایی که اجماع عقلی بر جذابیت فرهنگها به عنوان منبعی برای قدرت نرم به شمار می رود، کدام بخش از فرهنگ، مفاهیم بنیادینتری را برای ایجاد معرفت مشترک در اختیار قرار می دهد. وقتی از مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی بحث می شود در واقع میزان باز تولید و بهره گیری نظام سیاسی از این فرهنگ برای پیشرفت و تعالی مورد تأکید است. این باورهاست که مردم و مسئولان را به تحریک و پویایی می رساند و اجماع لازم بر توان آنها موجب تولید قدرت نرم را فراهم می سازد.

ایفای نقش فرهنگ به عنوان سامانه ای زنده و پویا و تأثیر گذاری آن بر سرنوشت کشور نباید در سیاستگذاریها و برنامه ریزیها مغفول واقع شود؛ به عبارت دیگر امری که می تواند بستر همه کارهای کشور باشد، سزاوار نیست در حاشیه قرار گیرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه می فرماید: «آنچه مهم است این است که ما بینیم واقعاً فرهنگ چه تأثیری در سرنوشت کشور دارد و پرداختن به مسئله فرهنگ و حساس بودن بر روی آن برای آینده ای که همه ما علاقمندیم و برای آن، کار می کنیم، چقدر می تواند نقش ایفا کند. به نظر ما این گونه است که بخش عمده فرهنگ، همان عقاید و اخلاقیات یک فرد یا یک جامعه است. رفتارهای جامعه هم که جزو فرهنگ عمومی و فرهنگ یک ملت است، برخاسته از همان عقاید است. در واقع عقاید یا

اخلاقیات، رفتارهای انسان را شکل می‌دهند و به وجود می‌آورند. خلیقات اجتماعی، رفتارهای اجتماعی را به‌وجود می‌آورند و خلیقات فردی، باعث به وجود آمدن رفتارهای فردی می‌شوند. بنابراین درست است که مقوله فرهنگ در موارد زیادی شامل رفتارها هم می‌شود، لیکن اساس و ریشه فرهنگ عبارت است از عقیده و برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم، و نیز خلیقات فردی و اجتماعی و ملی» (کتاب دغدغه‌های فرهنگی، ۱۳۹۰: ۱۹).

بخش قابل توجهی از فرهنگ، که شکل‌دهنده به حوزه‌های دیگر نظیر ارزشها و رفتارهاست، همان اعتقادات و باورها و مفروضات اساسی است که محور این پژوهش است. ضرورتها و الزامات کشورها در هر سطحی از پیشرفت نشان می‌دهد که بدون توجه به مقولات فرهنگ نمی‌توان به درک جامعی از قدرت و مفاهیم مرتبط با آن دست یافت (افتخاری، ۱۳۸۷: ۹). این پژوهش در راستای فهم مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی تلاش دارد تا با رویکردی حداکثری و عام و با فاصله گرفتن از رویکردهای بخشی‌نگر به فرهنگ، مدلی مفهومی از فرهنگ انقلاب اسلامی در حوزه مفروضات اساسی (باورها) ارائه کند.

بنابراین هدف اصلی این پژوهش تبیین مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی به‌عنوان منبعی برای قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی است. و اینکه این مفروضات اساسی کدام است و چه مؤلفه‌های دارد؟ و اینکه چه ارتباطی با قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی دارند؟ بر همین اساس برای دستیابی به هدف و برای پاسخگویی به سؤالات، تلاش شد مهم‌ترین مفاهیم کلیدی تعریف و تبیین شود و سپس با روش کیفی مبتنی بر اکتشاف مفروضات اساسی از اسناد بالادستی استخراج شود و برای اعتبار پذیری در قالب پرسشنامه هدفمند در اختیار نخبگان علمی کشور قرار گیرد. حاصل و نتایج این پژوهش به‌دست آمدن پنج مفروض اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی مانند خداباوری، ولایت محوری، موعود باوری، مردم باوری و خود باوری است که می‌تواند ظرفیتهای بالقوه و بالفعل نظام جمهوری اسلامی را در سه حوزه داخلی، منطقه ای و بین‌المللی به طور دائم افزایش و بازتولید کند.

۲. بیان مسئله

ملت مسلمان ایران با بهره‌گیری از ظرفیتهای بالقوه و بالفعل خویش در فرایندی تکاملی به رهبری معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (رضون الله تعالی علیه) توانست هویت از

دست رفته خویش را بازیابی کند. این امر در چارچوب تبیین درست رسالت الهی و هدف گذاری منتهی به فرهنگ انتظار خودنمایی کرد. انتخاب چنین رویکردی در محاسبات مادی گرایانه، نزدیک به محال به شمار می رفت. تحقق این موضوع زمانی به وقوع پیوست که باورهای اساسی مردم حول هویت ایرانی اسلامی شکل گرفت؛ باورهایی که به هر میزان مردم و رهبران انقلابی خویش از آن بیشتر بهره می جستند آثار آن در اقتدار خویش به صورت ملموس و آشکار مشاهده می شود. اکنون که نظام سلطه در رویارویی خود با انقلاب اسلامی به چنین ظرفیتی پی برده است، فهم درست این باورها و نقش بی بدیل آنها در تولید و بازتولید قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی بیش از اینکه برای طراحان جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران اهمیت پیدا نماید، ضرورت اجتناب ناپذیری برای مسئولان و نخبگان ایران اسلامی است. به نظر می رسد در مراحل سیاستگذاری و برنامه ریزی همواره کمیت سازیها به دلیل ارزیابیهای آسان مانع بروز و ظهور این مفاهیم اساسی در شاکله تصمیم سازیها و تصمیم گیریها شده است. در حالی که توجه به این مهم در زمره ارکان اساسی استحکام بخشی به ساخت درونی قدرت نظام اسلامی به شمار می رود و غفلت از آنها نظام اسلامی را، که پدیده ای معنایی و محتوایی است، از درون تهی و بی محتوا می سازد. در این صورت اگر توجه به این امر گذشته ای درخشان را برای جمهوری اسلامی از حیث کسب اقتدار رقم زده است به طور قطع توجه بیشتر به این باورها و روشهای بازتولید آن در مقام راهکارهای حفظ نظام اسلامی محسوب می شود. بنابراین مسئله این است که مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی به عنوان عمیقترین منبع قدرت نرم کدام است و دارای چه مؤلفه هایی است؛ بین مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی و قدرت نرم چه ارتباط منطقی وجود دارد.

۳. اهداف پژوهش

هدف اصلی: تبیین مؤلفه های مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی

اهداف فرعی

- شناخت بخش مهمی از منبع قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران در بُعد مفروضات اساسی

- شناخت رابطه بین فرهنگ انقلاب اسلامی و قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران

۴. سؤال‌های پژوهش

الف. سؤال اصلی

مفروضات اساسی (باورهای) فرهنگ انقلاب اسلامی کدام است؟

ب. سؤالهای فرعی

مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی چه مؤلفه‌هایی دارد؟

بین مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی و قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی در سطوح مختلف چه ارتباطی هست؟

۵. اهمیت و ضرورت موضوع

به موازات بیداری جامعه در ارتباط با جنگ نرم و تولید ادبیات لازم در این حوزه، اهمیت تبیین قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی بیشتر عیان می‌شود؛ به عبارت دیگر تا زمانی که ملتی از داشته‌ها و ذخایر ارزشمند خویش اطلاع لازم را نداشته باشد، بی‌تردید نمی‌تواند در مصاف با دشمن خود فعال برخورد کند. بنابراین اهمیت مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی به‌عنوان منبع قدرت نرم چه در سطح نخبگان و چه در سطح آحاد جامعه به بازتولید آن کمک خواهد کرد. از سویی پرداختن به چنین موضوعاتی موجب سطحی‌نگری فرهنگی در جامعه می‌شود و در نتیجه به حاشیه راندن محتوای اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی را به دنبال خواهد داشت؛ لذا ضرورت دارد کار علمی لازم به صورت هم‌افزا و اثربخش انجام پذیرد.

۶. روش پژوهش

این تحقیق به لحاظ نوع توسعه‌ای و به لحاظ روش کیفی مبتنی بر اکتشاف انجام گرفته است. در بحث ساخت مدل مفهومی، مؤلفه‌های فرهنگ انقلاب اسلامی در بُعد باورها (مفروضات اساسی) بویژه گردآوری داده‌ها به شیوه ترکیبی از نظریه داده‌بنیاد و هم‌چنین تحلیل محتوا بهره گرفته شد. در مورد اعتباریابی مدل مفهومی از روش اشباع و حد کفایت و هم‌چنین پرسشنامه نخبگی به‌طور هدفمند استفاده شد. در روش نظریه داده‌بنیاد الزاماً نمونه‌گیری نظری خواهد بود و بر همین اساس ارزشها و باورهای محقق نیز مدخلیت در فهم مفاهیم، مقوله‌بندیها و کدگذاریها

خواهد داشت. از آنجا که این روش در زمره روشهای کیفی قرار دارد برای اتقان و اعتبارپذیری، پرسشنامه هدفمند تهیه شد و در اختیار ۱۵ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاهها به عنوان نخبه قرار گرفت؛ سپس اطلاعات پرسشنامه در نرم افزار Spss ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر این اساس ضریب توافق کندال و سپس رتبه‌دهی آزمون فریدمن و میانگین به دست آمده نشان از تأیید و اعتبار مفروضات اساسی دارد. لازم به ذکر است که در رویکرد قیاسی پاسخگویان با گزینه (بلی) یا (خیر) نسبت به مؤلفه‌ها و شاخصهای مفروضات اساسی اظهار نظر نمودند و در رویکرد استقرایی بر اساس طیف لیکرت از میان اعداد (۵-۱) با متوسط رتبه‌دهی (۳) میزان اهمیت و انطباق شاخصها را با مؤلفه‌های مرتبط مورد اظهار نظر قرار دادند.

۷. تعریف مفاهیم

- مفروضات اساسی

مفروضات اساسی یا همان باورها عقیده‌ها یا اندیشه‌هایی است که فرد بدرستی و حقانیت آنها اعتقاد دارد» (پارسا، ۱۳۸۳: ۳۱۲). از نظر شاین نیز مفروضات اساسی، مفروضاتی است که اگر کسی آنها را رعایت نکند، ناتوان تلقی و طرد می‌شود. این مفروضات غیرقابل گفتگو تلقی می‌شود و شبیه آن چیزی است که کریس آجریس به عنوان «نظریه‌های مورد استفاده» تعریف کرده است: «مفروضات ضمنی که عملاً رفتار را هدایت می‌کند به اعضای گروه می‌گویند چگونه چیزها را درک کنند؛ در باره آنها فکر؛ و آنها را احساس کنند. این مفروضات، مورد کشمکش و مجادله قرار نمی‌گیرد و تغییر آنها بسیار مشکل است» (موحدی، ۱۳۸۳: ۶۹).

- فرهنگ انقلاب اسلامی

بنیانیان (۱۳۸۸) فرهنگ انقلاب اسلامی را این گونه تعریف می‌کند: «منظور از فرهنگ انقلاب اسلامی، پذیرش درونی و باور گزاره‌های زیر است:

۱. احیای اعتقادات و ارزشهای اسلامی می‌تواند جامعه را به سمت پیشرفت و عدالت سوق

دهد.

۲. می‌توان با تکیه بر اعتقادات اسلامی در مقابله با سلطه بیگانگان مقاومت نمود.
۳. می‌توان با تکیه بر اعتقادات اسلامی، استقلال و آزادی را در مناسبات جهانی بیشتر حفظ نمود.

– قدرت نرم

قدرت نرم توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران است... هم‌چنین در تعریفی دیگر قدرت نرم به معنای توانایی رسیدن به اهداف مورد نظر از طریق جلب نظر دیگران به جای استفاده از زور دانسته شده است. قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی و قدرت تأثیرگذاری غیر مستقیم همراه با رضایت دیگران دانسته شده است (سلگی، ۱۳۹۱: ۳۸).

آنچه نویسنده مقاله «کالبد شکافی جنگ نرم براساس مدل کارکردی قدرت نرم» بر آن تأکید دارد از یک سو منبع مشروعیت‌زای قدرت نرم است و از دیگر سو تأکید بر کارکرد و چگونگی به‌کارگیری آن است. از این دید اگر قدرت نرم از مجرای مشروع در خدمت و یا تعامل با دیگران قرار گیرد، خیر، و مورد تأیید دین اسلام است و در مقابل اگر قدرت نرم از مجرای نامشروع به‌دنبال اغوا و فریب دیگران قرار گیرد، شر، و از نظر دین اسلام مردود است.

۸. مبانی نظری

مفاهیمی چون فرهنگ، فرهنگ انقلاب اسلامی و قدرت نرم می‌تواند به تناسب خاستگاه، فضایی برای فهم و درک ایجاد کند. توجه به خاستگاه این مفاهیم کمک می‌کند ظرفیتها و ربط هر یک آشکارا نشان داده شود.

۸-۱. فرهنگ انقلاب اسلامی

مفهوم فرهنگ یکی از پرکاربردترین واژه‌ها در زندگی اجتماعی انسانهاست. گستردگی معنایی و شمول این مفهوم سبب شده است بسیاری از امور انسانی و پدیده‌های اجتماعی تحت پوشش و سیطره این مفهوم قرار گیرد و امور اجتماعی و انسانی با آن توصیف، تشریح و تبیین شود. به همین دلیل تعاریف و ویژگیهای مختلفی از این مفهوم ارائه شده است. بنابراین در انتخاب

- هر نوع تعریفی از فرهنگ باید «ربط تعریف» با موضوع مطالعه (موضوع کار) مد نظر قرار گیرد. از سویی به موازات رشد و تحول جوامع بشری تعاریف فرهنگ نیز سیری تحولی را طی کرده است. به طور کلی تعاریف جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی از فرهنگ سه حوزه را شامل می‌شود:
۱. حوزه‌ای که متضمن بررسی سیر تکاملی انسان در تمایز با سایر موجودات است.
 ۲. حوزه‌ای که بر شکل و شیوه زندگی انسانی و قدرت نمادسازی او تأکید دارد.
 ۳. حوزه‌ای که متضمن توصیف فرهنگ‌های مختلف و مقایسه آنهاست (نگاهداری، ۱۳۸۶: ۴۴).

در میان این تعاریف در حوزه‌های مختلف تعریف مختار، تعریف تایلر (مردم‌شناس) از فرهنگ، که شمولیت بیشتری دارد، ذکر می‌شود. وی در رویکردی عام، فرهنگ را این گونه تعریف می‌کند:

فرهنگ، «مجموعه‌ای پیچیده است شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتارها و ضوابطی که فرد به‌عنوان عضوی از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه، وظایف و تعهداتی را بر عهده می‌گیرد» (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۴).

در نقشه مهندسی فرهنگی کشور در مورد فرهنگ آمده است: فرهنگ نظام واژه‌ای است از «عقاید و باورها اساسی»، «ارزشها، آداب و الگوهای رفتاری» ریشه‌دار و دیرپا و «نمادها» و «مصنوعات» که ادراکات، رفتارها و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد. هم‌چنین در فصل دوم این سند ذیل «مبانی» در مورد فرهنگ آمده است:

- فرهنگ کلیتی واحد و متعامل از «عقاید و باورهای اساسی، ارزشها، آداب، الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا، نمادها و مصنوعات» در سطوح «فراملی، ملی، عمومی و حرفه‌ای» است. فرهنگ به مثابه «روح جامعه» به زندگی فردی و اجتماعی انسان معنا و هویت می‌بخشد و شکل‌دهنده و اثرگذار بر ذهنیت و گرایشهای افراد و جامعه و تعیین‌کننده رفتار عمومی است. فرهنگ جهت‌بخش جامعه و نظامهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است فرهنگ به‌صورت تدریجی و مستمر، «تحول‌پذیر، جهت‌دهنده، مدیریت‌پذیر، اکتسابی و انتقال‌پذیر» است.^۱

۱- نقشه مهندسی فرهنگی کشور، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، مندرج در روزنامه رسمی کشور، ش ۱۹۹۴۵، تاریخ ۱۳۹۲/۶/۳، ص ۳-۴.

از جمله راه‌های پی به بردن به تعریف فرهنگ انقلاب اسلامی، فهم ماهیت آن است. علامه محمدتقی جعفری ماهیت چنین فرهنگی را «نجات‌دهندگی و هدایتگری» می‌داند. از نظر وی فرهنگ، «کیفیت یا شیوه بایسته و شایسته برای آن دسته از فعالیتهای حیات مادی و معنوی انسانها است که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در حیات معقول تکاملی باشد» (علامه جعفری، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

امام خمینی (ره) با تمایز قائل شدن میان فرهنگ اسلامی از فرهنگ استعماری و فرهنگی غربی، ویژگیهای فرهنگ اسلامی را این گونه توصیف می‌کنند: اسلام دارای فرهنگ غنی انسان ساز است که ملتها را بی گرایش به راست و چپ و بدون در نظر گرفتن رنگ و زبان و منطقه به پیش می‌برد و انسانها را در بعد اعتقادی و اخلاقی و عملی هدایت می‌کند و از گهواره تا گور به تحصیل و جستجوی دانش سوق می‌دهد (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۲۲۱). ویژگیهای اصلی فرهنگ اسلامی از نگاه ایشان را می‌توان در نامهای به کار گرفته شده در مورد فرهنگ جویا شد؛ نظیر فرهنگ اسلام، فرهنگ قرآن، فرهنگ الهی، فرهنگ حق، فرهنگ صحیح و فرهنگ سالم و... این ویژگیها همچون الهی بودن، حق بودن، غنی بودن، از قرآن نشأت گرفتن، آموزنده، مستقل و خود کفا بودن، پیش رونده و مترقی بودن و... را نشان می‌دهد. از دید امام خمینی این فرهنگ مستقل و خود کفا است؛ چنانکه می‌فرماید: «شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که بلندترین و مترقی‌ترین فرهنگ است. با این فرهنگ اسلامی باید تمام احتیاجاتش را اصلاح کند...» (صحیفه نور، ج ۱۰: ۷۱).

امام خمینی اهمیت فراوانی برای انسان‌سازی فرهنگ اسلامی و هدایت بشر به سمت اصول انسانی قائل بودند؛ زیرا هدف در اسلام، انسان‌سازی است و جایگاه تربیت انسانی و ساخته شدن نیز در فرهنگ است. فرهنگ اسلامی نیز که جزئی از نظام کامل اسلام است، باید این ویژگی انسان‌سازی را دارا باشد. ویژگیهای انسان‌فرهنگی و ساخته شده در فرهنگ اسلامی از دید امام خمینی (ره) عبارت است از:

انسان رهیده از ظلمات، انسان تربیت شده به تربیت پیامبران، انسان مؤمن به خدا و معتقد به آخرت، انسان عدالت‌خواه و عدالت‌پرور، انسان خالص و با محبت، انسان فاضل - اسلامی و مقید، انسان چند بعدی، انسان مسئول و متعهد، انسان امین، انسان اجتماعی، انسان مترقی و وظیفه‌شناس و

عادل، انسان صحیح‌العمل و دارای محاسن اخلاقی و اعتقادات صحیح، انسان عامل به تکلیف، انسان دارای خلوت و جلوت واحد،...

رهبر معظم انقلاب اسلامی همواره فرهنگ را با توجه به اهمیت و کارکرد آن مورد توجه قرار داده‌اند. بر همین اساس در مورد فرهنگ بر این اعتقادند که «فرهنگ هویت یک ملت است. ارزشهای فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است. همه چیز مترتب بر فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست؛ حاشیه و ذیل سیاست نیست. اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل بر فرهنگند؛ به این معنا باید توجه کرد. نمی‌توانیم فرهنگ را از عرصه‌های دیگر منفک کنیم...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۹/۱۹).

ایشان در بخشی دیگر می‌فرمایند: «فرهنگ، ستون فقرات حیات یک ملت و هویت یک ملت است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۲/۲۸). هم‌چنین می‌فرمایند: «فرهنگ، یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل خانه و محیط کسب یک جامعه با آنها روبه‌روست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۱/۱۰). «فرهنگ، یعنی خلیقات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت؛ تفکراتش، ایمانش، آرمانهایش؛ اینها تشکیل‌دهنده مبانی فرهنگ یک کشور است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷). «فرهنگ مثل روح است. بلاشک فرهنگ است که جامعه را به اصل کار یا بیکاری به کار تند یا کند و به جهت‌گیری خاص یا به ضد آن جهت‌گیری وادار می‌کند. بنابراین نقش فرهنگ، نقش روح در کالبد اجتماع - کالبد بزرگ انسانی - است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۱۱/۷). «فرهنگ هر کشور، بستر اصلی حرکت عمومی آن کشور است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷). ایشان از جمله کارکردهای فرهنگ را اقتدارآفرینی می‌دانند و در این زمینه معتقدند: «اقتدار فرهنگی یعنی از لحاظ فرهنگی، فرهنگ کشور اثرگذار باشد و اثرپذیر نباشد و تهاجم فرهنگی به شکل صحیحی دفع شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۲/۲۸). «فرهنگ به معنای هوایی است که ما تنفس می‌کنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید... فرهنگ یک کشور مثل هواست؛ اگر درست باشد، آثاری دارد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱/۱).

شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان بالاترین نهاد فرهنگی کشور، فرهنگ انقلاب اسلامی را برگرفته از فرهنگ اسلامی می‌داند و معتقد است: انقلاب اسلامی بدین معنا است که فرهنگ

اسلامی در تمام شئون فردی و اجتماعی کشور اصل و پایه و مبنا قرار گرفته است. بنابراین نباید فراموش کرد که انقلاب اسلامی حقیقتاً انقلاب فرهنگی است... سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی متخذ از جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی است (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴: ۳۶۵).

ابوالقاسمی (۱۳۸۸) بر این اعتقاد است که فرهنگ انقلاب اسلامی جریانی ارزشمند و پویای است که با تحول جهان‌بینی مردم ایران توسط امام خمینی (ره) پدید آمده است. رمز جاودانگی این انقلاب را باید در پایداری مردم و مسئولان نظام بر آرمانها و ارزش‌های انقلاب اسلامی دانست. با بهره‌گیری از این ادبیات و هم‌چنین رویکرد عام یا حداکثری به فرهنگ تعریف برساخته محقق از فرهنگ انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

«فرهنگ انقلاب اسلامی تبلوری است از اسلام ناب، که در نظامی از باورها، ارزشها و رفتارهای توحیدگرایانه با هدف تعالی، تحول و کرامت انسانی و به‌صورت معرفت‌مشترک در فرایندی تاریخی نمایان شده است.»

اضلاع و مفاهیم این تعریف نشانگر این است که از یک سو در برگزیده فرهنگ اسلامی است. از سوی دیگر آبشخور و کانون جوشش آن اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) است. بر همین اساس فرهنگی است رسالتی؛ زیرا رسالتش تربیت و تعالی همه انسانها و به کمال رساندن جامعه بشری است. این فرهنگ می‌تواند خود مرکز ثقل خرده فرهنگهای سازمانی و نهادهایی مانند فرهنگ بسیج باشد. از سویی این گونه نهادها نقش قابل توجهی در بازتولید این فرهنگ دارند.

در تعریفی ساده و رسا، «مفروضات اساسی یا همان باورها^۱ یا عقیده‌ها، اندیشه‌هایی است که فرد بدرستی و حقانیت آنها اعتقاد دارد» (پارسا، ۱۳۸۳: ۳۱۲). در این پژوهش مفروضات عمیقترین و انتزاعی‌ترین بُعد فرهنگ انقلاب اسلامی است که به‌صورت معرفت‌مشترک ملت مسلمان ایران به‌طور دائم در حال باز تولید و باز توزیع است. ارزشها ترجیحات ملتی است که براساس نیازهای حیاتی خویش مبتنی بر مفروضات اساسی شکل می‌گیرد و رفتارها لایه انضمامی و عینی فرهنگ انقلاب اسلامی است که با ابتنا به باورها و ارزشها تجلی می‌یابد.

۸-۲. قدرت نرم و فرهنگ انقلاب اسلامی

- قدرت نرم^۱

از جمله مفاهیم مهم دیگری که باید مورد بررسی قرار گیرد، مفهوم قدرت نرم است. آنچه از فحوای سخنان اندیشمندان در توضیح این اصطلاح برمی آید، این است که قدرت نرم محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی، تأثیر گذاری غیر مستقیم همراه با رضا بر دیگران را تابع اراده خویش ساختن و مؤلفه‌هایی از این سنخ است. این قدرت معمولاً در مقابل قدرت نظامی و تسلیحاتی و به عبارت دیگر قدرت سخت و خشن به کار می‌رود (فرهادی و مرادیان، ۱۳۸۷: ۱۳۵). «قدرت نرم توانایی شکل دادن به علائق دیگران و هدایت رفتار آنان بدون بهره‌گیری از زور است» (نای، ۲۰۰۳). «قدرت نرم توانایی کسب چیزی است که می‌خواهیم از طریق جذب به جای اجبار عمل نمایم» (نائینی، ۱۳۸۹: ۱۰۳). آنچه اهمیت دارد بحث جذابیت فرهنگ است که به عنوان منبع قدرت نرم از سوی جوزف نای طرح شده است. اگر فرهنگ و ایدئولوژی دولتی جذاب باشد، دیگران با رغبت بیشتری از آن پیروی خواهند کرد (بابایی طلاپه، ۱۳۸۷: ۸۲). در تعریفی دیگر قدرت نرم افزاری، قدرتی است که از عقاید و باورهای دینی ملت سرچشمه می‌گیرد (گودرزی، ۱۳۸۷: ۱۳۶).

- قدرت نرم و رابطه آن با فرهنگ انقلاب اسلامی

آنچه قدرت نرم را از سایر انواع قدرت متمایز می‌سازد، ویژگیها، ارکان و منابع آن است. از جمله ویژگیهای قدرت نرم فرایند مناسباتی است که در رابطه فرد با خدا، در رابطه اجتماع، رابطه سیاست و رابطه انسان، معنا و مفهوم پیدا می‌کند. رابطه اول به تولید هویت دینی منجر می‌شود و هر قدر این رابطه قویتر باشد در تولید قدرت نظام جمهوری اسلامی نیز مؤثرتر خواهد بود. محصول رابطه دوم، هویت جمعی است که از آن به فرهنگ یاد می‌شود. رابطه سوم، هویت سیاسی و ظرفیتهای تاریخی ایجاد می‌کند و حاصل رابطه چهارم، هویت جهانی است. بنابراین باورها از ارکان اساسی قدرت نرم به‌شمار می‌آید که ایمان و اعتقادی است که ما نسبت به وجهی از واقعیت داریم که آن را حقیقتی آزموده شده و دانسته تلقی می‌کنیم. افراد براساس باورهای

1- Soft Power

خود، ترجیحاتشان را متناسب با ارزشهای خویش، نظم و نظام می‌بخشند. اعتقاد به خدا، آرمان، وطن و زندگی پس از مرگ و اینکه در نظامهای دینی امور اخلاقی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، نمونه‌هایی از این دست است (باقری، ۱۳۸۷: ۲۱۹-۲۱۷). آنچه را جوزف نای به‌عنوان منابع قدرت نرم مورد توجه قرار می‌دهد به دو حوزه داخلی و خارجی مربوط است. برخی از منابع قدرت نرم در حوزه داخلی فرهنگ و ارزشهای فرهنگی به‌عنوان معرفت مشترک، دین و ایدئولوژی به مثابه یکی از مهمترین کانونهای ساطع‌کننده ارزشها و باورها است که از مراجع بینش‌دهنده تلقی می‌شود و برجسته‌ترین نقش را در فرهنگ دارد؛ سیاستگذاری عمومی و کارایی و در نهایت دانش و فناوری (همان: ۲۲۳-۲۲۱). در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که قدرت نرم منظومه واحد و متشکل از اجزای مرتبط و متقابل است که این اجزا هم‌افزایی دارد و هر قدر روابط آنها و نقشهایشان بخوبی و در راستای هدف واحد اجرا شود، قدرت نرم بیشتری تولید می‌شود.

اساساً باورهای دینی به‌عنوان مهمترین منبع قدرت نرم برای انقلابهایی چون انقلاب اسلامی ایران که ماهیتی ذاتاً فرهنگی دارد. در واقع انقلابهایی که داعیه هدایتگری از طریق انتقال پیام دارند برجسته‌ترین وجه متمایزشان از حیث قدرت در همین امر نهفته است. انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به‌شمار آورد. انقلاب اسلامی از رهگذر تبیین اندیشه و آرمان عدالت‌خواهانه خود درصدد برآمد با روشهای غیرمستقیم به نتیجه دلخواه و مطلوب، یعنی بیداری اسلامی، دست یابد و تأیید ارزشهای انقلاب توسط جنبش‌های آزادی‌بخش، اشاعه الگوی مردم‌سالاری دینی، استقبال ملت‌های مستضعف و افزایش اشتیاق آنان به نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی در صحنه بین‌الملل، توان متقاعدسازی دیگر ملل از زاویه توانایی شکل دادن به ترجیحات و اولویتهای آنان، جلب و جذب جهان اسلام به شخصیت کم‌نظیر رهبری، فرهنگ، ارزشها، ساختار سیاسی و اعتبار اخلاقی انقلاب اسلامی ایران و نیز بهره‌گیری از توان اطلاعاتی و ارتباطاتی رسانه‌های سنتی برای انتقال پیام انقلاب به مخاطبان مسلمان و مستضعف را می‌توان در زمره مواردی دانست که جایگاه قدرت نرم را در فرایند استقرار بنیانهای انقلاب اسلامی ایران آشکار می‌سازد و به‌عنوان منبع قدرت نرم در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی کار کرد خود را نشان می‌دهد (دهشیری، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

کارکردهای فرهنگ در قدرت نرم انقلاب اسلامی

در فرایند انقلاب اسلامی، فرهنگ به عنوان منبع قدرت نرم در سه حوزه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نقش آفرین است (همان، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۱۰).

یک. در حوزه داخلی

شالوده بنیادین ساختار اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران و هویت ایرانی اسلامی آن بر اصل و اساسی استوار است که فرهنگ نام دارد. اشتراک عناصر فرهنگی در هر جامعه یا گروه اجتماعی، عامل اصلی انسجام و نشاندهنده میزان مقبولیت آن عناصر در میان گروه و جامعه است. این مهم حتی از نظر فوکو نیز پنهان نماند^۱. وی بر این اعتقاد است که آنچه سبب بروز و ظهور انقلاب اسلامی و نهایتاً روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی ایران شد، تحولات فرهنگی نظام پهلوی بود (سلیمانی پورلک، ۱۳۹۰: ۲۰۵).

در واقع نظام جمهوری اسلامی ایران خواستار ایجاد جامعه‌ای جدا از جامعه صورت‌بندی شده در دوره سیاسی قبل و هم‌چنین کاملاً متمایز از بلوک‌بندیهای رایج در فضای دو قطبی بود. در متن سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۱) آمده است که «سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران متخذ از جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی و بر مبنای و مفاهیمی از این قبیل مبتنی است: حاکم بودن بینش توحیدی بر تمام شئون و عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی و نقش و تأثیر بنیادی اعتقاد به اصول و فروع دینانند وحی، نبوت، امامت، عدالت، معاد، تولی و تبری در جامعه اسلامی.» این اصل بیان‌کننده این است که بینش، نگرش و اعتقاد از دید طراحان نظام و تدوین‌کنندگان این سند بسیار مهم است؛ لذا بُعد غیر مادی فرهنگ نیز در تولید قدرت نرم بسیار حائز اهمیت است. علاوه بر بینش توحیدی و نقش بی‌بدیل آن در تولید و بازتولید قدرت نرم به‌طور عملی آثار فراوانی از مؤلفه‌های مفروضات اساسی به صورت ملموس و عینی برای قضاوت در این زمینه وجود دارد.

اهمیت رهبری مبتنی بر ولایت فقیه و نقش بی‌بدیل آن در تعمیق معنویت و بصیرت در جامعه، مدیریت بحرانهای مختلف از جمله جنگ تحمیلی، تجزیه‌طلبی‌ها، کودتاها، حل و فصل اختلافات قوای سه‌گانه، آسان‌سازی رابطه مردم و مسئولان، اهمیت دادن به فرهنگ به‌عنوان

1- Michael Focult

زیرساخت اساسی کشور... می تواند به عنوان یکی از منابع مهم قدرت نرم مطرح باشد که در نظام ولایی تحت عنوان مؤلفه‌ای به نام ولایت محوری مورد توجه قرار می گیرد. وفاق اجتماعی، وحدت و اعتماد ملی با بهره گیری از ارتباط استوار مردم و نظام الهی موجب شده است تا همه مردم و مسئولان حول محوری به نام توحیدگرایی و صبغه الهی دادن به رفتار خویش همه در یک جهت از اوایی و به سویی حرکت کنند؛ مؤلفه‌ای که بستر ساز انقلاب اسلامی است و می تواند نقطه کانونی اتحاد همه خداپرستان قرار گیرد. ظرفیت این مؤلفه، نه تنها در داخل قدرت نرم تولید می نماید بلکه فراتر از مرزهای جغرافیایی در پهنه ذهنیت همه انسانهای موحد می تواند نگاه ذاتگرایانه انقلاب اسلامی را در بُعد هستی شناسانه بخوبی نشان دهد.

توسعه و پیشرفت در حوزه دانایی محوری در زوایای علم، فرهنگ، اخلاق، دین، سیاست، اقتصاد، همگی ناشی از توجه به فرهنگ به عنوان حوزه مستقل و با لذات مطلوب و بهره گیری از دین به عنوان نظام معانی و نمادسازی بود. انقلاب اسلامی براساس مؤلفه‌ای به نام خود باوری رویکردی جدید به پیشرفت را برای رسیدن به جامعه‌ای دانش بنیاد به همراه نواندیشی در دو کانون اصلی یعنی حوزه و دانشگاه به عنوان منبع قدرت نرم رقم زد و امروز سرمایه انسانی حاصل از مؤلفه خود باوری پیوسته در حال بازتولید برای قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران است.

ایمان و باور اساسی به جایگاه اساسی مردم در پیشرفت و تعالی کشور، عملی کردن دفاع مردم پایه، باور به نقش مردم در ایجاد، استحکام و بقای نظام با مشارکت عمومی و مؤثر در تمام عرصه ها، داشتن کرامت انسانی و... همگی به تولید مؤلفه‌ای به نام مردم باوری در انقلاب اسلامی منجر گردید. این مؤلفه با اتکا به توحیدگرایی و خدا باوری و هم چنین ولایت محوری مهمترین شکل منبع قدرت نرم را ایجاد کرده که به جز در نظامهای الهی ولایت محور هرگز قابل نسخه برداری نیست و به طور انحصاری در دست نظام جمهوری اسلامی ایران است.

امید به آینده موعود و رهایی از ظلمت و تاریکی براساس تحقق وعده الهی از نظام جمهوری اسلامی و دلدادگان به گفتمان مهدویت و انسانهای علاقه مند به این گفتمان منبعی عظیم و پر قدرت می سازد؛ همان قدرتی که ترس و دلهره آن دشمنان انقلاب اسلامی را سالهاست که به شناخت و راه رهایی از آن مشغول ساخته است. بنابراین قدرت مؤلفه موعود گرایی جهت دادن به تمام مؤلفه‌های دیگر در ساخت آینده‌ای روشن است.

دو. در حوزه منطقه‌ای

اگر همانند بیشتر صاحب‌نظران بپذیریم که انقلاب اسلامی به مثابه پایه گذار و نقطه عزیمت جمهوری اسلامی، ماهیتی فرهنگی دارد، «فکر و پیام» نیز در ایران اسلامی جایگاه و منزلت کم نظیری دارد. بدون شک یکی از عرصه‌های جدی در مقوله «صدور انقلاب اسلامی»، بحث ساطع شدن افکار برآمده از بطن و متن و ماهیت انقلاب اسلامی بوده است؛ افکاری که برخاسته از آموزه‌های روح بخش اسلام و پیامبران و آرا و افکار بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران بود و توانست کارکردهای مهم و همه‌جانبه داشته باشد. واقع مطلب این است که این ظرفیت و توانمندی ایران اسلامی در عرصه نرم‌افزاری، که به گفتمان مطلوب آزادیخواهان جهان تبدیل شد، الهام‌بخش، محرک و جهت‌دهنده سایر ملتها، و به معنای دقیق کلمه، جلوه از قدرت افکنی جمهوری اسلامی ایران است؛ چنانکه اسپوزیتو^۱ از صاحب‌نظران معروف غربی در حوزه انقلاب اسلامی می‌گوید: «دوست و دشمن متفق القولند که انقلاب ایران تأثیر بسزایی بر جهان اسلام و غرب گذاشته است» (عسکری، ۱۳۹۰: ۸۵).

براین اساس می‌توان گفت انقلاب اسلامی ایران با اعطای خود باوری فرهنگی به ملت‌های مسلمان و بهره‌گیری از همه ظرفیتهای ارتباطی برای انتقال افکار و پیام خود به احیای ارزش‌هایی چون عدالت محوری و عدالت گسترده، توسعه و تعالی همه‌جانبه و درونزا، توسعه عدالت محور، کرامت انسانی، آزادیخواهی اسلامی، عزت نفس، استقلال طلبی، توسعه اخلاق و دین‌مداری، شکوفایی حس خداجویی و خدا باوری، حقیقت‌طلبی، تحکیم مبانی مردم‌سالاری دینی و بسط و گسترش آن، ایجاد بارقه‌های امید، تجدید حیات مذهبی در اغلب کشورهای اسلامی، احیای معنادار دین در عرصه زندگی، پیوند بین دین و سیاست، احیای جریان حق‌گرایی به جای گرایش‌های اومانستی و مادیگرایانه، نفی انگیزه‌ها و تعصبات قشری و قومی و نژادی، طرح بازسازی و تقویت بنیادهای تمدن نوین اسلامی، ارتقای بیداری اسلامی، احیای هویت جهان اسلام، محوریت ثبات منطقه‌ای و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم در قالب ارائه الگوی جبهه مقاومت در مقابل نظام سلطه و نظام‌های وابسته همت گمارده است که به نیابت از جبهه استکبار جنگ‌های نیابتی در منطقه و جهان اسلام را راه‌اندازی می‌نمایند (دهشیری، ۱۳۸۸: ۱۲۸-۱۲۱).

1- Esposito

بنابراین باورها و ارزشهای برآمده از انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان منبعی از قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی هم به گسترش و تعمیق حوزه نفوذ انقلاب اسلامی تبدیل شده و هم به‌عنوان ایجاد جبهه فرهنگی در مقابل نظام سلطه و نظامهای وابسته. حاصل این دو اثر مهم بیداری اسلامی و حرکت‌های ضد صهیونیستی در منطقه و جهان اسلام است که ناشی از مقاومت فرهنگی در مقابل تهاجم و ناتوی فرهنگی غرب شکل گرفته است.

سه. در حوزه بین‌المللی

هدایت بشریت به سوی خدا بر محوریت توحید به‌عنوان مهمترین رسالت انقلاب اسلامی از سوی امام خمینی (ره) تعریف شد. این امر در راستای استمرار حرکت پیامبران الهی قلمداد می‌شود. لازمه این امر بهره‌گیری از نشان دادن افقی روشن با ظرفیتهایی جدید بود. همان‌گونه که ذکر شد هنر رهبر الهی ایران در فضای جهان دو قطبی، نشان‌دادن ظرفیتهای الهی نهفته نزد ملت‌ها بود. انقلاب اسلامی با اعطای خود باوری به ملت‌ها مبنی بر توان مقابله با سلطه‌گری و رهایی از ظلمت تلاش کرد روح امید را در دل بسیاری از آزادیخواهان جهان بدمد. بنابراین به چالش کشیدن سلطه فرهنگی غرب، گشایش جبهه سومی از گفتمان خدامحور در مقابل گفتمانهای مادی‌نگر، پرچمداری انقلاب فرهنگی مبتنی بر دین از جمله ظرفیتهای قدرت نرم فرهنگ انقلاب اسلامی است.

از مجموع این مباحث در زمینه قدرت نرم و فرهنگ انقلاب اسلامی بخوبی روشن شد که نظام جمهوری اسلامی با ابتنا به فرهنگ انقلاب اسلامی بویژه در بُعد مفروضات اساسی می‌تواند منبعی مهم از قدرت نرم خویش را در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بهره‌برداری و بازتولید و بازتوزیع دائم قرار دهد.

۳. یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق در دو محور مورد توجه قرار می‌گیرد:

۳-۱. یافته‌های تحلیل محتوای مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی

برای دستیابی به مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی ابتدا اسناد بالادستی نظیر صحیفه نور امام خمینی (ره)، که حاوی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های ایشان است و هم‌چنین بیانات و دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی مندرج در نرم‌افزار به سوی نور (۴) و در نهایت قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌عنوان میثاق ملی مردم مسلمان ایران انتخاب شد؛ سپس با روش کیفی مبتنی بر اکتشاف داده‌های زیر به دست آمد:



مؤلفه	مفاهیم برگرفته از داده‌های اسناد بالادستی (با روش کدگذاری باز)	مفهوم
خدا یاوری	<p>امر الهی، رضایت الهی، قانون خدا، خواست خدا، حکم خدا، قیام برای خدا، مقصد الهی، اطاعت خدا، ربوبیت الهی، جهاد برای خدا، ایمان الهی، دست غیب الهی، حکومت اسلامی، توفیقات الهی، نصرت الهی، هدایت الهی، امانت الهی، حقایق الهی، تأیید خداوند، رؤیت دست خدا در تمام کارها، همراهی خداوند، عنایت خدا، جندالله، تحول الهی، اتکال به خدا و مقصد اینکه حکم خدا جاری بشود، حاکمیت اسلام و...، همین الوهیت را حفظ کنیم؛ یعنی قصدمان را برای خدا و برای جمهوری اسلام و برای احکام قرآن بکنیم تا عنایت خدا محفوظ باشد و دست لطف الهی بالای سر همه باشد. الهی، قیام لله، قوانین الهی، برای خدا، عنایت خدا، لطف الهی، حکومت الله، برای خدا، انگیزه الهی، خداوند تعالی، دست خدا، ظل الله، یدالله باشد، حکومت الهی، اعتقاد به خدا، به یاری خدای تعالی، ذات مقدس خدای تعالی، ذات اقدس حق، اطاعت خدا، اتکال به خدای تبارک و تعالی، خدا تکیه گاه است، همیشه خدا را در نظر داشته باشند، ایمان به خدا، همه چیز را از خدا بدانیم، قدرت خدا فوق همه...، رمز پیروزی توجه به خدا، دژ الهی، سد خدایی، خداوند بر ما منت نهاد،... حاکمیت اسلام، حاکمیت قرآن، ارزشهای الهی، ما خدا را بر حکومت اسلامی...، صیانت از اسلام، ایمان به خدا و غیب، جهاد فی سبیل الله، حقایق الهی، خدای متعال، معارف الهی، توحید، نصرت الهی، برای خدا حرکت کنیم، برای خدا مبارزه کنیم، هدف را رضای خدا قرار بدهیم، محاسبات معنوی و الهی، کسب رضای الهی، اعتماد به وعده الهی، فریاد «الله اکبر»، حکومت اسلامی، تکیه بر ایمان، جمهوری اسلامی، حرکت به سوی الله، زمینه‌های اعتقادی، حرکت به سوی نظام الهی، تجلی ابعاد خدا گونگی، حاکمیت قانون خدا، جهاد در راه خدا، حکومت حق، نظامی است بر پایه ایمان، وحی الهی، به سوی خدا، شعار "الله اکبر"، حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست، خداوند قادر متعال، با استعانت از خداوند،</p>	فرهنگ انقلاب اسلامی
ولایت محوری	<p>تبعیت، اتباع، ولایت، واجب الاتباع، ولایت شرعی، اطاعت، ولایت فقیه، ولایت رسول...، ولایت بر امور، شئون ولایت فقیه، تمسک به ولایت امیرالمؤمنین(ع)، ولایت علی(ع)، تابع امیرالمؤمنین، خاتم ولایت کلی بالاصاله، خاتم ولایت کلی به تبعیت، منبع ولایت، ولایت مطلقه، ولایت مطلقه الهی، حبل ولایت خدا و پیامبر و ائمه معصومین، نعمت ولایت، سایه ولایت، مسئله ولایت، قضیه ولایت، ولایت اسلامی، ولایت خدا، دفاع از ولایت فقیه به‌عنوان ستون فقرات نظام، و...</p>	فرهنگ انقلاب اسلامی

مؤلفه	مفاهیم برگرفته از داده‌های اسناد بالادستی (با روش کدگذاری باز)	مفهوم
موعود باوری (رهایی جهان از ظلمت)	<p>... قضیه غیبت حضرت صاحب، مهدی موعود سلام الله، خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر، پیروزی را تا حکومت الله و تا ظهور بقیه الله روحی فدا، کشور ائمه هدی و کشور صاحب الزمان سلام الله علیه تا ظهور موعود، جورهایی که بر مستضعفان می‌گذرد جلوگیری کند، عالم را ان شاء الله به عدل و داد بکشد، زمانی که به حضور بقیه الله این جمهوری مشرف شود و مسائل را در خدمت ایشان حل کند، حضرت بقیه الله، طیب واقعی بشر، اسلام را در جهان گسترش دهد، دست ستمکاران مستکبر را از تجاوز به محرومان و مستضعفان قطع نماید، دل‌های همه ما را به نور هدایت خویش منور فرماید، این انقلاب را به انقلاب جهانی مهدی موعود ارواحنا فدا و فرزند عزیزش مهدی موعود روحی فدا در آخر زمان از کعبه ندای توحید سر دادند و می‌دهند، دست توانای بقیه الله که ید الله است دستگیر شما، آخرین ذخیره امامت حضرت بقیه الله - ارواحنا فدا، یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم استکبار، همه بشریت متدین منتظر مصلح است و همه مسلمین منتظر مهدی موعودند، یملاً الله به الارض قسطاً و عدلاً کما ملئت ظلماً و جوراً. عدل و داد استقرار عدالت در جامعه - از بین بردن ظلم از سطح زمین خصوصیت مهدی موعود است، دنیا را از عدل و داد پر می‌کند و ظلم را ریشه کن می‌سازد، ارتباط قلبی یکایک مردم مؤمن با مقام ولایت عظمی و ولی الله اعظم، انتظار، بشریت که با عطش تمام منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدویت، انتظار فرج، و...</p>	فرهنگ انقلاب اسلامی
خود باوری	<p>اعتماد به نفس، اختراع بکنند، ابتکار کنند، معتقد بشوند به اینکه می‌توانیم، اتکال به نفس، اعتماد به خودتان، خود باوری پیدا کرد، عدم اتکا به دیگران، روح اعتماد به نفس، اعتماد به خود، خود باوری در میان مردم، خود باوری و نفی خود باختگی، خود باوری و پیشرفت، خود باوری فرهنگی، باور کرد که می‌تواند، پیشرفت علمی بایستی با خود باوری، دارای اعتماد به نفس بالا، دارای خود باوری، یکی از مهمترین این مؤلفه‌ها همین خود باوری و اعتماد به نفس است و اینکه ملت باور کند که می‌تواند...</p>	فرهنگ انقلاب اسلامی

مؤلفه	مفاهیم برگرفته از داده‌های اسناد بالادستی (با روش کدگذاری باز)	مفهوم
مردم‌باوری	مردم، ملت، خدمتگزار، مردم ایران، ملت بزرگ ایران، منافع ملت، منافع مملکت، ملت با فرهنگش، ما یک مملکتی داریم برای خودمان می‌خواهیم، من با ملت دارم حرف می‌زنم، ما درد ملت را داریم نه درد خودمان را، نزاع ما سر ملت است، ما زجرمان زجر این ملت است، آنچه در قدرت دارم در خدمت به شما که خدمت به حق است نثار می‌کنم، موافق میل مردم، رأی مردم، به حال این ضعفا و طبقه سوم یک فکری بشود، ما امروز می‌خواهیم همه ملت را وارد در دولت کنیم، من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می‌کنم، من خدمتگزار شما هستم، من می‌خواهم که شما عزیز باشید، من خدمتگزار ملت هستم، من می‌خواهم ملت اسلام سربلند مستقل باشد، تشکر از ملت، آرای ملت، مصالح ملت، خواسته‌های مردم، خواست ملت ایران، احترام به رأی ملت، تا حیات دارم خدمتگزار همه هستم، پاسداری از ملت، برخلاف مسیر ملت، خدمتگزار همه ملت، ملت بزرگ، نجات ملت در فرهنگ، امیدمان به ملت، مراعات حال مردم، حضور در صحنه، همکاری و همیاری مردم بی سابقه است، مردم نباید کنار بروند، اگر مردم کنار بروند همه شکست می‌خوریم، تابع ملت هستیم، پیشگاه ملت ایران، به فکر مردم، مردمی بودن و مردمی ماندن است، همه با مردم، برای مردم، در خدمت مردم، اتکای به مردم، اقتصاد مردم، امنیت مردم، کرامت انسانی، اتکای به فرهنگ بومی، هویت ملی، نقش مردم در پیشرفت و...	فرهنگ انقلاب اسلامی

۲-۳. مستندات مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی

۱-۲-۳. خدا باوری

بنیادیت‌ترین و عمیقترین مؤلفه در میان مؤلفه‌های فرهنگ انقلاب اسلامی خدا باوری است به گونه‌ای که تمام مؤلفه‌های دیگر قوام و اعتبار خویش را در ظل و پرتوی آن دریافت می‌دارند. تار و پود اندیشه و عمل انقلابی رهبران الهی انقلاب اسلامی و حرکت تحول آفرین ملت مسلمان ایران یکصدا فریاد توحیدگرایانه سر می‌دهد. از یک سو رهبران انقلاب، مردم را الهی می‌دانند و قیام آنها را برای الله می‌دانند و از سوی دیگر مردم رهبران خود را الهی می‌پندارند و به فرمان آنان جان می‌دهند. این رابطه عمیق موجب شد انقلاب اسلامی به‌عنوان معجزه قرن بیستم نامیده شود.

بنابراین جوهره انقلاب اسلامی توحید گرایی است؛ موضوعی که امام خمینی (ره) آشکارا تمام پیام آن را به سوی همه خدا پرستان عالم طنین انداز نمودند.

«... برنامه ما در حکومت اسلامی مبنی بر توحید است و آنها بر خلاف این عقیده و ایدئولوژی هستند؛ بنابراین ما در یک جهت نمی توانیم با آنها حرکت کنیم» (صحیفه نور، ج ۲۲: ۱۴۶ و ۱۴۷).

«مطابق این اصل ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق آگاه است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. این اصل به ما می آموزد که انسان، تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد» (صحیفه نور، ج ۴: ۱۶۶ و ۱۷۱)

«ایمان به خدا، ایمان به مبادی اسلامی بود که شما را پیروز کرد. عزیزان من ایمان خودتان را قوی کنید، گمان نکنید که قدرت مادی این کار را کرد. روی حساب قدرت مادی، قدرتهای آنان میلیونها برابر شما بود. روی حساب دنیایی نباید شما غلبه کنید. آنها باید با یک یورش شما را از بین ببرند لکن همه حسابهایی که حسابگرها می کردند باطل شد...» (صحیفه نور، ج ۵: ۱۴۱).

«ملت ما تا با خداست پیروز است. ملت ما تا پناهگاه او اسلام است پیروز است. پرچم قرآن تا بر فراز سر ملت ماست پیروز است. این رمز را حفظ کنید» (صحیفه نور، ج ۶: ۱۷).

تفکر خدا باوری موجب شد گفتمان اسلام ناب به دلیل حقانیت آن و ایستادگی همه جانبه در مقابل تمام گفتمانهای شرک آلود به عنوان گفتمان رقیب و مسلط نظام سلطه صف آرایی نماید.

«فکر اسلام ناب، فکر همیشگی امام بزرگوار ما بود؛ مخصوص دوران جمهوری اسلامی نبود؛ منتها تحقق اسلام ناب، جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکانپذیر نبود. اگر نظام سیاسی کشور بر پایه شریعت اسلامی و تفکر اسلامی نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران عالم، با زورگویان عالم، با زورگویان جامعه، مبارزه واقعی و حقیقی بکند؛ لذا امام حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را اوجب واجبات می دانست. اوجب واجبات، نه از اوجب واجبات. واجبتین واجبات، صیانت از جمهوری اسلامی است. ... مسئله امام، مسئله اسلام بود؛ لذا پای جمهوری اسلامی ایستاد. این مدل نو را امام به دنیا عرضه کرد؛ یعنی مدل جمهوری اسلامی (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۳/۱۴).

«نظام اسلامی بر اساس توحید است. پایه اصلی، توحید است... (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۶).

۳-۲-۲. ولایت محوری

دومین مؤلفه فرهنگ انقلاب اسلامی در حوزه باورها ولایت محوری است. روشن ترین تعریفی که می توان از ولایت محوری ارائه کرد، تعریفی است که مقام معظم رهبری در این جملات بیان می کنند:

«ولایت یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال و انفکاک. جامعه اسلامی که دارای ولایت است، یعنی همه اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه یعنی ولی متصل است. لازمه همین ارتباط و اتصال است که جامعه اسلامی در درون خود یکی است و متحد و مؤتلف و متصل به هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را جذب می کند و اجزایی را که با آن دشمن باشند بشدت دفع می کند و با آن معارضه می نماید. یعنی اشداء علی الکفار رحماء بینهم، لازمه ولایت و توحید جامعه اسلامی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۹/۲۹).

«ولایت، یعنی حاکمیت و سرپرستی در جامعه اسلامی، طبیعتاً چیزی جدا از ولایت و سرپرستی و حکومت در جوامع دیگر است. در اسلام، سرپرستی جامعه، متعلق به خدای متعال است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۴/۲).

«قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است؛ همان ولایت رسول الله است و اینها از ولایت رسول الله هم می ترسند. شما بدانید که اگر امام زمان سلام الله علیه حالا بیاید، باز این قلمها مخالفند با او و آنها هم بدانند که قلمهای آنها نمی تواند مسیر ملت ما را منحرف کنند» (صحیفه نور، ج ۲۷: ۱۰ - ۲۸).

«ولایت فقیه ولایت بر امور است که نگهدارنده این امور از مجاری خودش بیرون برود؛ نظارت کند بر مجلس، بر رئیس جمهور که مبدا یک پای خطایی بردارد؛ نظارت کند بر نخست وزیر که مبدا یک کار خطایی بکند؛ نظارت کند بر همه دستگاهها؛ بر ارتش که مبدا یک کار خلافی بکند. جلوی دیکتاتوری را ما می خواهیم بگیریم، نمی خواهیم دیکتاتوری باشد، می خواهیم ضد

دیکتاتوری باشد. ولایت فقیه ضد دیکتاتوری است نه دیکتاتوری.» (صحیفه نور، ج ۲۹: ۱۰ تا ۳۰).
«شما موافقت کنید با این ولایت فقیه. ولایت فقیه برای مسلمین یک هدیه ای است که
خدای تبارک و تعالی داده است» (صحیفه نور، ج ۱۰: ۸۷ تا ۹۰).
«ما به حبل ولایت خدا و پیامبر و ائمه معصومین (علیهم السلام) چنگ زده ایم و جداً باید از
هر آنچه غیر رضایت آنان است، متنفر و بیگانه باشیم و از این بیگانگی هم بر خود فخر و مباهات
کنیم» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۷ تا ۹).

۳-۲-۳. موعود باوری (باور به آینده موعود)

یکی از عمیقترین لایه‌های فرهنگ انقلاب اسلامی اعتقاد و باور به منجی و مصلح عالم
بشریت حضرت مهدی (عج) است. در واقع این تفکر بلند، نوید از آینده ای درخشان و پر از امید
می‌دهد. اگر این مؤلفه در فرهنگ انقلاب اسلامی به‌عنوان باور اساسی مطرح نبود، می‌توان گفت
این فرهنگ فاقد عنصری به‌نام تحول، تعالی و حرکت بود و فرهنگ بدون تحول و حرکت اساساً
توان پیش برندگی جامعه را ندارد.

«قضیه غیبت حضرت صاحب، قضیه مهمی است که به ما مسائلی می‌فهماند من جمله اینکه
برای یک همچو کار بزرگی که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا بشود در تمام بشر نبوده
کسی الا مهدی موعود سلام الله علیه که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر»
(صحیفه نور، ج ۱۲: ۲۰۷ تا ۲۰۹).

«و من امیدوارم که ان‌شاءالله حضرت بقیه الله زودتر تشریف بیاورند و این طیب واقعی بشر،
با آن دم مسیحایی خود اصلاح کند اینها را» (صحیفه نور، ج ۱۷: ۴۸ و ۴۹).
«ابراهیم خلیل در اول زمان و حبیب خدا و فرزند عزیزش مهدی موعود روحی فدا در آخر
زمان از کعبه ندای توحید سر دادند و می‌دهند» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۸۷ تا ۹۵).

«با سلام و درود به پیشگاه مقدس مولود نیمه شعبان و آخرین ذخیره امامت حضرت بقیه الله
- ارواحنا فداه - و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قیود ظلم و ستم
استکبار. سلام بر او و سلام بر منتظران واقعی او، سلام بر غیبت و ظهور او و سلام بر آنان که

ظهورش را با حقیقت درک می کنند و از جام هدایت و معرفت او لبریز می شوند» (صحیفه نور، ج ۲۱: ۱۰۷ تا ۱۱۰).

«همه بشریت متدین، منتظر مصلح است و همه مسلمان، منتظر مهدی موعودند و خصوصیت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه) در نظر مسلمانان این است که: یملاً الله به الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً. عدل و داد، استقرار عدالت در جامعه، از بین بردن ظلم از سطح زمین، خصوصیت مهدی موعود است. اسلامی که در آن، تلاش برای عدالت و مبارزه با ظلم نباشد، چه طور می تواند اسلام باشد و بشریت به سمت آن حرکت کند؟ بشر به سمت آن چیزی حرکت می کند که مظهر آن، وجود مقدس مهدی (علیه الصلاه والسلام) و عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد و او کسی است که در احادیث متواتر وارد شده که دنیا را از عدل و داد پر می کند و ظلم را ریشه کن می سازد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰).

«بشریت که با عطش تمام منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و می خواهد مهدی موعود بیاید و چشم انتظار آن حضرت است برای این است که او بیاید تا دنیا را از عدل و داد پر کند. این است آن پیامی که انقلاب اسلامی برای دنیا دارد و خودش هم متعهد و متکفل آن است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷).

«ملتی که به خدا معتقد و مؤمن و متکی است و به آینده امیدوار است و با پرده نشینان غیب در ارتباط است؛ ملتی که در دلش خورشید امید به آینده و زندگی و لطف و مدد الهی می درخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمی شود و با این حرفها از میدان خارج نمی گردد. این، خصوصیت اعتقاد به آن معنویت مهدی علیه آلائه التَّحِيَّةِ وَالتَّنَائِثِ است. عقیده به امام زمان، هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد. این را باید قدر دانست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۱۰/۱۷).

۳-۲-۴. مردم باوری

در فرهنگ انقلاب اسلامی همان گونه که مردم به عنوان اعتقاد قلبی، ولایت را با جان و دل خویش پذیرا شده اند، رهبران الهی نظام نیز اعتقاد قلبی به مردم دارند و به نقش بی بدیل آنان در ایجاد، بقا و تدوام انقلاب اعتقاد و باور اساسی داشته و دارند و از سویی لحظه ای از عمر خویش

را در دفاع از شرف، استقلال و فرهنگ و دیانت و دنیای آنان فروگذار نکرده‌اند؛ همین رابطه دو سویه در اسلام پیوند عمیق امت و امام را می‌سازد.

«من با ملت دارم حرف می‌زنم، ما درد ملت را داریم نه درد خودمان را. ما می‌گوییم که با ملت ما داری چه می‌کنی، تو با اسلام ما چه کردی یا داری چه می‌کنی، تو با علمای اسلام ما داری چه می‌کنی. شخصیتی توی کار نیست. نزاع ما سر ملت است، سر اسلام است...» (صحیفه نور، ج ۲: ۱۹۷).

«ما زجرمان زجر این ملت است. من وقتی صورت این مردهایی که بچه هایشان، پسرهایشان را کشتند در ذهنم می‌آید زجر می‌برم، من وقتی این مادری که یقه اش را پاره می‌کند در مقابل این چیزها که بیایید من را بکشید، شما که جوان من را کشتید بیایید مرا هم بکشید، این زجر می‌دهد ما را...» (صحیفه نور، ج ۲: ۲۹۳ تا ۲۹۵).

«شما ملت ایران و همت و شجاعت شما زیانزد جهانیان و سرمشق آزادیخواهان است. من از این راه دور چشم امید به شما دوخته‌ام و آنچه در قدرت دارم در خدمت به شما که خدمت به حق است نثار می‌کنم و صدای آزادیخواهی و استقلال طلبی شما را به گوش جهانیان رسانده و می‌رسانم و از خداوند تعالی سلامت و عظمت شما ملت نجیب بزرگ را خواهانم» (صحیفه نور، ج ۳: ۱۷).

«من خدمتگزار شما هستم، من می‌خواهم که شما عزیز باشید، من خدمتگزار ملت هستم، من می‌خواهم ملت اسلام سر بلند باشد، مستقل باشد» (صحیفه نور، ج ۵: ۲۶).

«ملت رأی داده است به جمهوری اسلامی، همه باید تبعیت کنید، اگر تبعیت نکنید محو خواهید شد. بر خلاف مسیر ملت، برخلاف مسیر اسلام راهی را پیش نگیرید» (صحیفه نور، ج ۹: ۱۷۰ و ۱۷۱)

«ما از اول هم امیدمان به ملت و جوانهای برومند ملت بود. ما همیشه توجهمان به خود ملت، به نیروی انسانی الهی ملت بوده است» (صحیفه نور، ج ۱۰: ۸۱).

«ما تابع ملت هستیم. ما خدمتگزار ملت هستیم. ما باید روی مسیر ملت سیر بکنیم» (صحیفه نور، ج ۱۰: ۱۶۳).

«مراعات حال مردم را بنمایید. انصافاً مردم ایران حق بزرگی بر انقلاب دارند» (صحیفه نور، ج ۱۵: ۲۰۰).

«خداوند بر ما منت نهاده که در سایه این ملت زندگی می‌کنیم» (صحیفه نور، ج ۲۰: ۱۰۹-۱۳۳).

«شما امروز یک ملت نمونه هستید. خیلی از ملتها از شما سرمشق می‌گیرند، روشهای شما را مطالعه می‌کنند و شجاعت شما را می‌ستایند. این نعمت بزرگی بود که خدا به شما داد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۷/۱۷).

«این ملت، ملتی قوی است. این ملت، ملت پولادینی است. این ملت، ملت مجربی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۸/۲۷).

«نظام ما نظامی است متکی به ایمانها و عواطف و علائق مردم. اساساً سرشکست‌ناپذیری این نظام این است که به مردم متکی است. این چیز مهمی است. اتکای به مردم هم آسان به دست نمی‌آید و همه جا حاصل نمی‌شود. اگر یک سرالهی در میان نباشد، توجّه نفوس و دل‌های مردم هم ممکن نیست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۱۱/۱۴).

«یکی از بزرگترین افتخارات انقلاب ما، مردمی بودن و مردمی ماندن است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۳/۷).

«همه با مردم، برای مردم، در خدمت مردم، متواضع و بنده خدا هستند. اینها به برکت قرآن و اسلام است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۹/۱).

«در اسلام آنچه ما به عنوان حاکمیت اسلامی شناخته‌ایم و امروز هم بنای کلی این جامعه بر آن قرار دارد، مردم‌سالاری دینی است که با دموکراسیهای رایج دنیا در بنیاد اختلاف دارد. ریشه مشروعیت رأی مردم در دموکراسیهای رایج دنیا اساساً با مشروعیت رأی مردم در نظام مردم‌سالاری اسلامی که ما به دنبال آن هستیم و آن را حکومت اسلامی و حاکمیت اسلام به حساب می‌آوریم، متفاوت است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۱۲/۱۳).

«مردمی بودن در نظام جمهوری اسلامی، یک شاخه اصلی است؛ یعنی رأی مردم، هویت مردم، کرامت مردم، خواست مردم از جمله عناصر اصلی در نظام جمهوری اسلامی و این بنای مستحکم است. رأی مردم تعیین‌کننده است. نیازهای مردم، هدف اساسی دولتمردان و نظام

جمهوری اسلامی است. این نیازها، هم نیازهای مادی است و هم نیازهای معنوی و اخلاقی و روحی» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۰).

۳-۲-۵. خود باوری

خود باوری و اعتماد به نفس زمانی به عنوان اعتقاد و باور راسخ طرح می شود که امام خمینی (ره) آن را همپای اعتماد به خدای بزرگ نهالش را در وجود ملت بزرگ ایران می نشانند. بنابراین این دو به مثابه دو بال، ملت مسلمان ایران را به سرفرازی و سربلندی امروزم رسانده اند. «عمده این است که شما دو جهت را در نظر بگیرید که من کراراً عرض کردم: یکی اعتماد به خدای تبارک و تعالی که وقتی که برای او بخواهید کار بکنید به شما کمک می کند، راه را برای شما باز کند، در هر رشته که هستید راه های هدایت را به شما الهام می کند و یکی اتکال به نفس، اعتماد به خودتان» (صحیفه نور، ج ۱۸: ۱۴۶ و ۱۴۷).

«ملت خود ما نمونه روشنی هستند که با ایستادگی و پیگیری و اعتماد به نفس و عدم اتکا به دیگران و با اتکا به خداوند توانسته اند کارهایشان را بحمدالله به سامان خوبی برسانند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۲/۱۲).

«این ملت هم از روزی که متوجه نقایص خود شد؛ از روزی که متوجه ضعفها شد و خود باوری پیدا کرد به پیش رفتن و ترقی کردن و تکامل پیدا کردن رو نهاد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱/۲۸).

«باید این روح اعتماد به نفس و این فکر که جمهوری اسلامی و ملت ایران و عناصر خودی این کشور، قادر هستند کشور را به بالاترین حد اعتلای مورد نیاز و خواستش برسانند، تقویت شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۶/۸).

«ملت ایران، عزت و سربلندی خود را از استقامت و خودباوری و نفی خودباختگی به دست آورده است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۳/۱۴).

«این ملت بر اثر انقلاب اسلامی و نظام اسلامی به خودباوری دست یافت - یعنی باور کرد که می تواند - این را امام به ما درس داد و فضای عمومی نظام اسلامی این را برای ما به ارمغان آورد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴).

«اسلام به ما خودباوری داد و انقلاب به ما جرأت بخشید» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۹/۲۶).
«این خودباوری و اعتماد به نفس ملی یکی از دو رکن اساسی پیشرفت هر کشور است. یک رکن، امکانات مادی است، اما امکانات مادی کافی نیست. یک ملت ممکن است امکانات مادی زیادی هم داشته باشد، اما به رشد و ترقی و تعالی نرسد؛ نتواند یک ملت عزیز و قدرتمند بشود. ... پس امکانات مادی کافی نیست، مؤلفه‌های دیگری لازم است؛ مؤلفه‌های معنوی. یکی از مهمترین این مؤلفه‌ها، همین خودباوری است، اعتماد به نفس است و اینکه یک ملت باور کند که می‌تواند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۳/۱۴).

پس از مرحله مفهوم یابی و مقوله بندی با کدگذاری باز، این مؤلفه‌ها با کدگذاری محوری در ذیل مفروضات اساسی جایابی شد. این امر با کمک نخبگان و جلسات گروهی و با تکیه بر تکنیک‌های خاص انجام گرفت.

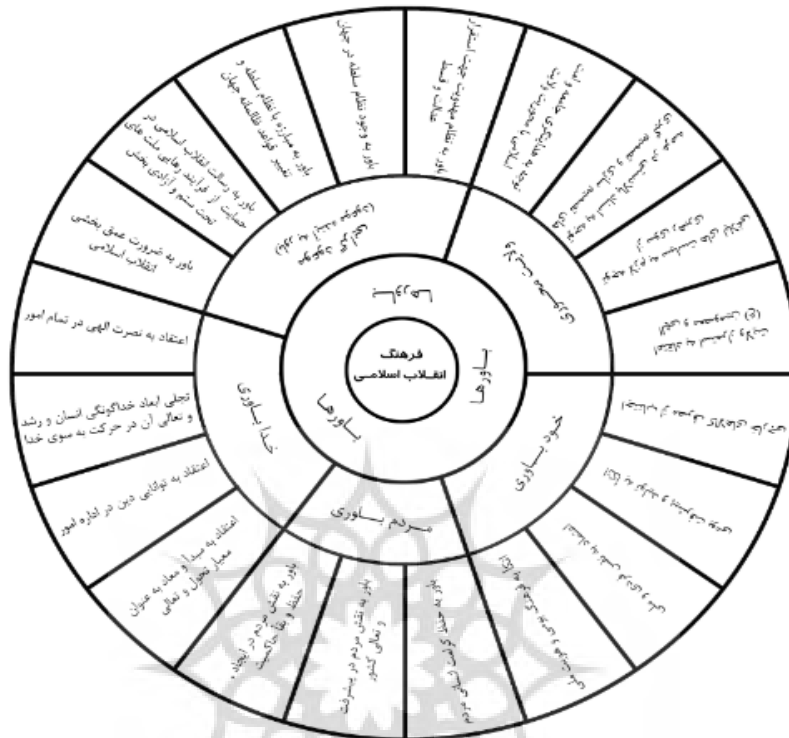
مؤلفه‌های فرهنگ انقلاب اسلامی در بُعد باورها با کدگذاری محوری	بُعد
خدا باوری، ولایت محوری، موعود باوری، مردم باوری و خودباوری	باورها (مفروضات اساسی)

۳-۲-۶. نمای مدل مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی (باورها)

حاصل یافته‌های تحقیق پنج مؤلفه اساسی در بُعد مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی به همراه شاخصهای مرتبط به دست آمد که در شکل ذیل ارائه می‌شود:

۳-۲-۷. یافته‌های پیمایشی مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی

پس از استخراج مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی به‌عنوان مؤلفه‌ها، مقوله بندی و با نظام دادن به آنها در قالب یافته‌های این بخش از پژوهش به منظور کسب اعتبار علمی در قالب پرسنامه ای هدفمند در اختیار ۱۵ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها قرار گرفت که نتایج به اختصار در قالب جداول ذیل نشان داده می‌شود. در رویکرد قیاسی همه ۱۵ نفر پاسخگو



مدل مفهومی مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی

به مؤلفه‌های بُعد باورها جواب بلی داده‌اند. بنابراین در این رویکرد به طور صددرصد مؤلفه‌ها مورد تأیید قرار گرفت ولی در رویکرد استقرایی که از طریق شاخصها، مؤلفه‌ها ساخته می‌شود از مجموع پاسخگویان ۱۳ نفر بُعد مفروضات اساسی (باورها) را که شامل پنج مؤلفه و ۲۰ شاخص است در بالاترین سطح مورد تأیید قرار دادند. در مجموع این امر حاکی است که مؤلفه‌هایی نظیر خدا باوری، مردم باوری، خودباوری، ولایت محوری و موعود باوری ارتباط ناگسستگی با فرهنگ انقلاب اسلامی دارد و به طور حتم جزء ذاتیات و مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

جدول ۳. میانگین میزان موافقت پاسخگویان به شاخصهای مؤلفه‌ها در رویکرد استقرایی

مؤلفه‌ها	رتبه	شاخصها	میانگین میزان موافقت	مقایسه با متوسط طیف نظری
خدا باوری	۱	اعتقاد به نصرت الهی در تمام کارها	۴/۸۷	۱/۸۷
	۲	تجلی ابعاد خداگونه‌گی انسان و رشد و تعالی آن در حرکت به سوی خدا	۴/۵۳	۱/۵۳
	۳	اعتقاد به توانایی دین در اداره کشور	۴/۸۷	۱/۸۷
	۴	اعتقاد به مبدأ و معاد به عنوان معیار تحول و تعالی	۴/۷۷	۱/۷۷
مردم باوری	۵	باور به نقش مردم در ایجاد، حفظ و بقای حاکمیت	۴/۴۶	۱/۴۶
	۶	باور به نقش مردم در پیشرفت و تعالی کشور	۴/۴۶	۱/۴۶
	۷	باور به حفظ کرامت انسانی مردم	۴/۶۹	۱/۶۹
خودباوری	۸	اتکاء به فرهنگ بومی و هویت ملی	۴/۴۶	۱/۴۶
	۹	اعتماد به نفس فردی و ملی	۴/۶۲	۱/۶۲
	۱۰	اتکاء به تولید و پیشرفت بومی	۴/۳۱	۱/۳۱
	۱۱	پرهیز از مصرف کالاهای خارجی	۴/۰۰	۱/۰۰
ولایت محوری	۱۲	اعتقاد به استمرار ولایت الهی و معصومین(ع)	۴/۹۲	۱/۹۲
	۱۳	توجه لازم به سیاستهای ابلاغی از سوی رهبری	۴/۶۹	۱/۶۹
	۱۴	توجه به اسناد بالادستی در عرصه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری	۴/۲۳	۱/۲۳
موعودباوری (رهایی جهان از ظلمت)	۱۵	توجه به هدایتگری جامعه و امت اسلامی با محوریت ولایت	۴/۸۵	۱/۸۵
	۱۶	باور به نظام مهدویت به منظور استقرار عدالت و قسط	۴/۹۲	۱/۹۲
	۱۷	باور به وجود نظام سلطه در جهان	۴/۶۲	۱/۶۲
	۱۸	باور به مبارزه با نظام سلطه و تغییر قواعد ظالمانه جهان	۴/۹۲	۱/۹۲
	۱۹	باور به رسالت انقلاب اسلامی در حمایت از فرایند رهایی ملتهای تحت ستم و آزادی بخش	۴/۸۵	۱/۸۵
	۲۰	باور به ضرورت عمق بخشی به انقلاب اسلامی	۴/۶۹	۱/۶۹

در رویکرد استقرایی، شاخصهایی نظیر «اعتقاد به استمرار ولایت الهی و معصومین(ع) در ذیل مؤلفه ولایت محوری و «باور به نظام مهدویت به منظور استقرار عدالت و قسط» و «باور به مبارزه با نظام سلطه و تغییر قواعد ظالمانه جهان» در ذیل مؤلفه موعود باوری، که هر دو مؤلفه به بُعد باورها مربوط است با میانگین ۴,۹۲ توانست بیشترین امتیاز را بین ۲۰ شاخص به دست آورد؛

هم چنین شاخص «پرهیز از مصرف کالاهای خارجی» ذیل مؤلفه خودباوری با کسب میانگین ۴,۰۰ کمترین امتیاز را دارد؛ به عبارت دیگر با توجه به اینکه دو مؤلفه ولایت محوری و موعود باوری سنخیت زیادی نسبت به یکدیگر دارد و این شاخصها ذیل این دو بیشترین میانگین را به خود اختصاص داد نشان می دهد که نخبگان جامعه اسلامی نیز اهمیت زیادی برای چنین مؤلفه‌هایی قائلند و به نوعی ولایت پذیری و باور به آینده موعود گستره‌ای بسیار وسیع در سطح جامعه دارد.

جدول ۴. میزان رتبه آزمون فریدمن وضریب توافق کنдал و اعلام میانگین نظر پاسخگویان به مؤلفه‌ها

بُعد	ردیف	مؤلفه‌ها	تعداد شاخص (گویه)	میانگین	مقایسه با متوسط طیف نظری	رتبه فریدمن	ضریب توافق کنдал
باورها	۱	خدا باوری	۴	۴/۷۵	۱/۷۵	۸/۰۴۰	۱/۰۸۴
	۲	مردم باوری	۳	۴/۵۸	۱/۵۸	۳/۲۵۰	۱/۰۳۴
	۳	خودباوری	۴	۴/۲۸	۱/۲۸	۱۷/۲۶۷	۱/۱۱۹
	۴	ولایت محوری	۴	۴/۶۴	۱/۶۴	۱۴/۸۰۰	۱/۲۵۳
	۵	موعودگرایی (رهایی جهان از ظلمت)	۵	۴/۷۳	۱/۷۳	۳/۳۶۴	۱/۰۳۳

۴. نتیجه گیری

پدیده انقلاب اسلامی با رویکردی فرهنگی به معنای عام آن در سال ۱۳۵۷ به وجود آمد. مهمترین بخش فرهنگ انقلاب اسلامی باورها یا همان مفروضات اساسی است که عمیقترین و اساسی ترین بُعد فرهنگ به شمار می رود. کاهش دادن فرهنگ به مصنوعات و نمادهای ظاهری موجب شده تا مفروضات اساسی این فرهنگ، که منبعی مهم و تأثیرگذار برای قدرت نرم نظام

جمهوری اسلامی است در سیاست‌گذار یهای فرهنگی و حتی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه مورد بی‌مهری قرار بگیرد؛ این در حالی است که اساس فرهنگ انقلاب اسلامی در کارهای کیفی نهفته است و کاهش آنها به امور کمی مظلومیت فرهنگی را به‌دنبال دارد. برای نشان دادن اهمیت فرهنگ انقلاب اسلامی بویژه مفروضات اساسی آن، ضرورت داشت تا مؤلفه‌های اساسی در عمیق‌ترین لایه مورد شناسایی قرار گیرد، سپس اعتبار‌پذیری این مؤلفه‌ها با دو روش اشباع در حد کفایت و هم‌چنین پرسشنامه هدفمند از طریق نخبگی انجام پذیرفت. حاصل این فرایند اجماع بر ایجاد چارچوبی است که در آن فهم مفروضات اساسی فرهنگ انقلاب اسلامی به‌عنوان منبعی برای قدرت نرم صورت می‌گیرد. همان‌گونه که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود از آنجا که عدد (۳) متوسط طیف نظری پاسخگویان است، مؤلفه خدا‌باوری با میانگین ۴/۷۵ و موعود‌گرایی با میانگین ۴/۷۳ و سپس ولایت‌محوری با میانگین ۴/۶۴ به ترتیب بالاترین سطح امتیاز را از سوی پاسخگویان کسب است. در مرحله بعد مؤلفه مردم‌باوری با میانگین ۴/۵۸ و خود‌باوری با میانگین ۴/۲۸ قرار دارد. در مجموع هر پنج مؤلفه مورد تأیید نخبگان جامعه آماری قرار گرفت. بنابراین می‌توان گفت همان‌گونه که فرهنگ انقلاب اسلامی تاکنون توانسته است با بهره‌گیری از ظرفیتهای جذابیتی خود در سه حوزه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به صورت مؤثر عمل کند، برای آینده نیز به طور قطع به دلیل هم‌افزایی و هم‌چنین جذابیتهای آن بویژه وقتی که بدرستی بازتولید و باز توزیع شود، می‌تواند تولید قدرت مضاعف کند. شاهد مثال این بخش از قدرت فرهنگی انقلاب اسلامی چانه‌زنی در میان قدرتهای بزرگ بر نقش‌آفرینی ایران اسلامی در حل و فصل منازعات بین‌المللی و منطقه‌ای است؛ ایفای نقشی که به‌واسطه قدرت نرم فرهنگی به‌دست آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. امام خمینی (رضوان ... تعالی علیه)، صحیفه نور، (نرم افزار به سوی نور ۴).
۲. رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) (نرم افزار به سوی نور ۴).
۳. ابوالقاسمی، محمدجواد (۱۳۸۸). «آسیب شناسی فرهنگی انقلاب اسلامی». فصلنامه تخصصی اندیشه و مطالعات انقلاب اسلامی. ش ۷-۸.
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). الگوی جنگ روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۵. بابایی، محمدباقر (۱۳۸۴). مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه علی (ع). تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. دانشکده فرماندهی ستاد، دوره عالی جنگ.
۶. باقری، سیامک (۱۳۸۷). «بسیج و قدرت نرم؛ رویکردی سیستمیک». مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم. جلد سوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۷. بنیانیان، حسن (۱۳۸۶). فرهنگ و توسعه: خط و مشی گذاری برای تقویت فرهنگ توسعه در ایران. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۸. پارسا، محمد (۱۳۸۳). زمینه روانشناسی نوین. چ بیستم، تهران: بعثت.
۹. پیروزمند، علیرضا (۱۳۸۹). قلمرو دین. تهران: عابد به سفارش شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۰. پیروزمند، علیرضا (۱۳۷۶). دین و علوم کاربردی. تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
۱۱. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹). فرهنگ پیرو و پیشرو. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۲. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸). بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین الملل. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. سلگی، غلامرضا (۱۳۹۱). «کالبد شکافی جنگ نرم براساس مدل کارکردی قدرت نرم». دوفصلنامه علمی - پژوهشی پاسداری فرهنگی انقلاب اسلامی. س دوم. ش ۶. (پاییز و زمستان).
۱۴. سلیمان پورلک، فاطمه (۱۳۹۰). قدرت نرم، در استراتژی خاور میانه ای امریکا. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه های فرهنگی. تهران: نشر ققنوس.

۱۶. طرح دغدغه‌های فرهنگی؛ شرح مزجی یکی از بیانات محوری مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۳. (۱۳۹۰). تهران: مؤسسه جهادی. چاپ منصوری.
۱۷. فرهادی، محمد و مرادیان، محسن (۱۳۸۷). «درک قدرت نرم». مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم. جلد ۱. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۸. گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۷). «فرهنگ بسیجی و نظام تصویرسازی آینده‌نگرانه از منظر قدرت نرم» مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم. ج سوم. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۱۹. نائینی، علی محمد (۱۳۸۷). «معنا و مفهوم قدرت و تهدید نرم در مطالعات امنیتی» مقالات برگزیده همایش بسیج و قدرت نرم، جلد ۱. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۲۰. نائینی، علی محمد (۱۳۸۹). درآمدی بر مدیریت فرهنگی. تهران: نشر ساقی.
۲۱. مرادی، حجت اله (۱۳۸۸). قدرت و جنگ نرم. تهران: نشر ساقی.
۲۲. موحدی، مسعود (۱۳۸۳). تبیین ویژگیهای فرهنگ ملی - اسلامی. تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.